

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

دوم دسمبر ۲۰۱۶
تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۳ - ۲۱۶

ترکیب بندها

۳-۲

در مرثیه غفارخان

(بند سوم)

افسوس از جوانی، و بالا و منظرش
دردا، که شد ز گردش گردون دون، نهان
هنگام آن، که کوکب قدرش کند طلوع
با خاک تیره گشت هماغوش، سایه وار
گردون حلم^۱ بود، فرو ریخت انجمش
کو آن، که برق تافتی از نعل^۲ آشهیش
افسوس از مکالمه روچرورش
در مغرب زوال، چو خورشید پیکرش
گردید از محاق اجل، تیره اخترش
ماهی، که آفتاب فلک بود چاکرش
شهباز مُلک بود، بیفتاد شهپرش
کو آن، که ابر سوختی، از برق خنجرش

^۱ الف. علم
^۲ "شهب" (بر وزن "احمر و اصفر و اخضر")، کلمه عربی و در معنای "ابلق" یا "اسپ ابلق" و درینجا مطلقاً در معنای "اسپ"

کو آن سرم فشاندن دستِ عطادَهش کو آن سپه شکستن تیغِ مظفرش
فریاد از آن دمی، که ز هرسو برادران با سینه های چاک دویند بر سرش
صد آه از آن زمان، که محمد حسین خان از نقد روح دید تهی، دُرُج پیکرش
زد جامه چاک و دیده خونین پر آب کرد
با ناله سوی نعش برادر، خطاب کرد